

تعمیل جنایت دهشت آفرین دیگری بر زن مظلوم افغان ضعف واغماض قوه اجرائیه در اجرای قانون و عدالت بر زنان



خبر مانند هر نوع ماجرای تراژیدی دیگری در حیات زن نهایت مظلوم و بی پناه افغان، به سرعت صفحات جراید، وبسایت ها و فیس بوک ها را در بر گرفت. بلی مانند جنایت سخیف و نهایت غیر بشری لت و کوب در محضر عام با اشتراک عده ای جنایت کار ددمنش به منظور کشتن، سوختاندن که در حق «فرخنده بیدفاع» در شهر کابل و نزدیک یکی از مراکز پلیس آن، صورت گرفت، این فاجعه المناک هم بر دختر ۱۹ ساله بیگناه و مظلوم دیگری در ولایت غور واقع شده است. طالبان که بگمان اغلب مانند مناطق بیشمار در مملکت، این قسمت از خاک وطن را هم تحت تصرف دارند، دختر جوانی بنام «رخشانه» را به بهانه ارتباط با پسر ۲۳ ساله ای که هر دو غیر متأهل بودند در محضر عام سنگسار مینمایند و پسر را با قایل شدن به تبعیض جنسیتی، به زدن چند دره، مجازات «؟!» میکنند، همین نظر به راپور بی بی سی، اولیای امور دولت افغانستان با موجودیت دو ولسمشر و رئیس و وعده های برقراری عدالت و قانونیت، در منطقه اعمال جنایت سنگسار «رخشانه»، از مدت ها قبل از بروز چنین محکمه سخیف و غیر اسلامی و غیر انسانی «رجم- سنگسار» در حق این دختر بیدفاع مطلع بودند، ولی دیده شد که کوچکترین اقدامی را در زمینه ممانعت از چنین قانون شکنی و جنایت آشکارا به عمل نیاوردند. چرا؟ برای اینکه شیرازه مسؤولیت پذیری

و وظیفه شناسی، دو پدیده‌ی والای خدمت صادقانه به ملت و مملکت سیر نزولی را پیموده و ظاهراً معدوم میگردد و روحیه و باور «به مه چی گری» جا نشین آن میگردد.

ولی البته که بعد از اجرای جنایت و سنگسار دهشت آفرین دختر بیگناه هموطن ما و شما، چرخ های فعالیت قانونی و احساسات بشر دوستانه ملی از جانب اولیای امور فعال گردیده و اعلامیه به دنبال اعلامیه صادر میگردد که جنایت و سنگسار فجیع دختر بیدفاع را تقبیح نموده و امر دستگیری و مجازات «؟!» مجریان آنرا طلب مینمایند، بدین منوال که رئیس دولت قتل «رخشانه نامراد» را غیر قانونی و غیر اسلامی میداند و وزیر داخله امر گرفتاری عاملین قتل و باز خواست عدلی را فوری و جداً صادر مینماید. یا الله!

زمانیکه جنایت آشکارا و فاجعه سخیف بشری بالای «فرخنده» در روز روشن، در جوار مسجد پر ازدحام «شاه دو شمشیره» و شهر کابل صورت گرفت، از بین صد ها شاهد و ناظر که ترحم بشری آنان مرده بود ولی اکثراً مانند انسان های متمدن با داشتن موبایل مثل اینکه از صحنه های فیلم دلچسپی عکاسی مینمایند، به فعالیت پرداختند و عده ای قابل ذکری با مدارک مستند دقیقاً جنایتکاران و عمال آن عملیه فجیع را برملا ساختند. یقین است که محکمه و مجازات آن متهمین افشاء شده «میتوانست» با تعمیم عدالت اجتماعی و نمونه ای از پستی بانی از حقوق پامال گشته زن بینوای افغان، فصل جدید و قدم مثبتی در راه داد خواهی و حمایه از موقف تاریک و غیر انسانی این نیم بیشتر قشر اجتماع افغانی را مژده دهد. ولی همان طور که مشاهده شد در اجرای رویه و حکم محکمه و نهایت درجه واسطه بازی، رشوت دهی و رشوت ستانی، خون پاک آن شهید بینوا و دفاع از حق مسلم زن افغان هردو مفت گردیده و به تاریکی گرایید.

در مورد جنایت اخیر سنگسار «رخشانه» که دولت مرکزی به والی ولایت غور «سیما جوبنده»، که خود یکی از دو زنیست در مقام ولایت افغانستان، «دستور» توقیف عمال آنرا صادر نموده است، خود ادعا دارد که فامیل رخشانه تدارک ازدواج دختر شانرا با مرد دیگری دیده بودند. بلی جناب والی صاحب، شما با داشتن اطلاعات از احوال زار یک زن و همجنس تان که در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم داشته و هردو جوان مجرد به سن قانونی هم رسیده بودند، نخواستید که دفاع نموده و وی را در یک خانه امن و یا مقام ولایت پناه دهید، تا وظیفه قدم مثبتی مطابق قانون دولتی و مقررات اسلامی و البته حمایت از یک همجنس بی وسیله تان اجراء مینمودید. امروز والی صاحب با چنین توضیحاتی که حکم مشت بعد از جنگ را دارد، رفع مسؤولیت از نجات «رخشانه مظلوم و بیدفاع» را نموده و معلوم نیست که با حضور طالبان در چنان مناطقی و قدرتمندی آنان در ساحه اجرای چنین اعمال غیر انسانی، چگونه چنین اوامری از جانب اولیای افغانستان، چون نوشته ای بر روی یخ، صادر میشود؟ والی غور در یک هفته قبل که از جریان ارتکاب چنین عملیه غیر قانونی و غیر اسلامی «*» مستحضر بود و هیچ اقدامی بر علیه آن، وظیفه اجراء ننمود، حال به فعالیت آغاز نموده است و به خبر نگاران بیان میدارد که طالبان این دختر را در ناحیه «غلمین» این ولایت به اتهام "زنا" سنگسار کردند. به گفته وی این محکمه صحرايي در ۴۵ کیلومتری «فیروز کوه» مرکز ولایت غور به معرض اجراء قرار داده شده است.

جنایات فجیع در حق «فرخنده ها» در کابل و «رخشانه ها» در ولایت غور، نمونه های تکراری زن ستیزی و بی ارزشی کتله اناث افغانستان در مجموع شمرده میشود. در ماجرای «فرخنده» مشاهده گردید که با وجود عکس العمل

شدید گروپ های مختلفه اجتماعات افغانی در خارج و داخل، برای اجرای عدالت و داد خواهی صورت گرفت، در حقیقت سهم گیری بیطرفانه و پشتیبانی از حق و بازخواست عدلی و قانونی از جانب مقامات حکومتی به تدریج کمتر گردید و نتیجتاً بعد از «فعالیت» محاکم و تعویض قضات آن که خود سؤال بر انگیز بود، با بازی پول های بزرگ در نجات جنایتکاران و عاملین اصلی قضیه و البته با سر سر پلوان رفتن قوای اجرائیه هم در قضیه، داستان غم انگیز آن به فراموشی سپرده شد. پس در نتیجه و دردا که با بی کفایتی، بی مسؤولیتی و ضعف روز افزون دولت مرکزی با دو تصمیم گیرنده «دو پادشاه در یک اقلیم» در مقدرات کشور و در اداره مملکت و البته با موجودیت صد ها ولسوالی در اختیار حکومت طالبانی، حوادثی چون جنایات متذکره بیشتری را باید انتظار داشت.

نوت:

«*» - تا حدی که مطالعات و دسترسی به قوانین جزای اسلامی اجازه میدهد، چنین آگاهی حاصل گردیده است که در اجرای عملیه «رجم یا زنا» موجودیت چهار مرد شاهد عاقل، بالغ و مسلمان شرط است که دقیقاً بچشم خود عمل زنا را دیده و در محضر قضاء شاهدهی بدهند. پس هر نوع عمل سنگساری که در مملکت از هم پاشیده و ویران ما بدون در نظرداشت مقررہ مذکور صورت میگیرد، جزئی از جنایات بشری محسوب میگردد که اجرای مکافات قانونی در حق مجریان آن وظیفه امر و منصوبین دولت افغانستان است.

